

## توصیف تاریخی و وضعیت امروزی درختان سرو، اُرس و نوش کهن سال ایران

شمامه محمدی فر<sup>۱</sup>

در کتاب‌های تاریخی ایران، نام سرو شامل گیاهان مختلفی از تیره سرویان<sup>۲</sup> است. این گیاهان از این قرارند:

الف- سرو: گونه *C. sempervirens* با داشتن سه جور<sup>۳</sup> سرو معمولی/زربین، سرو ناز و سرو شیراز در ایران می‌روید. سرو معمولی/زربین<sup>۴</sup> شامل درختانی بسیار بلند و دارای شاخه‌های تقریباً افقی است و در ارتفاعات دره‌های چالوس (مرزن‌آباد، دیلمان و زرین‌گل) و سفیدرود (منجیل، رودبار) و دامنه جنوبی کوه تفتان می‌رویند. سرو ناز<sup>۵</sup> به علت داشتن شاخه‌ها و انشعابات کوتاه، تاجی کاملاً باریک و کشیده دارد. میوه آن نیز از زربین کوچکتر است. سرو شیراز/کاشی/کاشمیری<sup>۶</sup> دارای شاخه‌های ایستاده است. ظاهراً گونه *C. sempervirens* از مدیترانه شرقی منشأ گرفته است.

ب- سرو کوهی/اُرس: درختانی از جنس *Juniperus* که گونه‌هایی از آن با نام‌های فارسی و محلی گوناگون در ایران می‌روید از جمله: پیرو/اُربس<sup>۷</sup> (در جنگل‌های شمال و شمال غرب)، اُرس<sup>۸</sup> (در نقاط مختلف ایران)، چاتانا/چَتَنَه/اُرس معطر<sup>۹</sup> (در گلستان و شمال غرب)، چَتَنَه<sup>۱۰</sup> (در شمال غرب)، مایمرز/ابهل<sup>۱۱</sup> (در گرگان، مازندران و سمنان).

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ علم بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، همکار علمی مجله میراث علمی؛ sh.mohammadifar@yahoo.com

۲. Cupressaceae

۳. variety

۴. با نام علمی *C. sempervirens* L. var. *horizontalis*

۵. با نام علمی *C. sempervirens* L. var. *ceriformis*

۶. با نام علمی *C. sempervirens* L. var. *stricta*

۷. *J. communis*

۸. *J. excels*

۹. *J. foetidissima*

۱۰. *J. oblonga*

۱۱. *J. sabina*

ج- سرو خمره‌ای / سرو طبری / نوش، با نام علمی *Thuja orientalis*. این درخت در زیارت گرگان و سنگده مازندران به صورت خودرو می‌روید و بیشه‌ای طبیعی و کهن از آن در دره کتول وجود دارد (قهرمان، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۵؛ مظفریان، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۱۳-۲۳۳؛ لوی و عمار، ص ۳۹۶).

به جز نمونه‌های خودروی پیش‌گفته، برخی گونه‌های وارداتی و تزئینی معروف نیز در ایران کاشته شده است که از مهم‌ترین آن‌ها، گونه سرو سیمین / نقره‌ای<sup>۱</sup> قابل ذکر است. جورهای فراوانی از این درخت در نقاط مختلف ایران، به ویژه تهران، کاشته شده است. تکثیر گسترده این گونه در سال ۱۳۳۱ ش و از بذر نمونه والد در دانشکده کشاورزی کرج، به دست محمد طباطبایی، رضا حجازی و همکارانشان آغاز شد (طباطبایی، ص ۱۲-۱۶؛ ثابتی، ص ۲۹۶).

سرو در برخی تمدن‌های کهن، نماد مرگ و جنازه است. گمان می‌بردند که دارای نیرویی است که بدن را از فساد نگه می‌دارد و به همین دلیل در گورستان‌ها کاشته می‌شد. در میان چینی‌ها، سرو نماد لطافت و شادی است. فنیقی‌ها آن را درخت حیات و برای عَشْتَرُوت / آستارته (ایزد بانوی زیبایی و باروری) و ملکارت (پادشاه خدایان) مقدس می‌پنداشتند. مسیحیان آن را نماد سوگواری و مرگ و همچنین نشان پایداری در فضیلت و نیز تداوم و به همین دلیل آن را به معنی فرد مسیحی برمی‌شماردند. در نزد یونانیان و رومیان، سرو علامت ویژه زئوس، آپولون، ونوس و هرمس و نیز مظهر زندگی بود و چون نزد اینان نشانه ایزدان زیرزمین و سرنوشت بود و از آن در مراسم تدفین استفاده می‌شد و نشان مرگ بود. همچنین سرو برای هادس (پلوتون) مقدس به شمار می‌رفت. سرو کوهی نیز در میان یونانیان و رومیان، نماد حفاظت، اطمینان و ابتکار بود و برای هرمس (مرکوری) مقدس بود (کوپر، ص ۱۶، ۲۰۰). در میان ایرانیان، سرو نماد اهورامزدا و مقدس‌ترین درخت بوده است و حتی این باور وجود دارد که زرتشت با دستان خود، دو سرو سه هزارساله کاشمر را کاشته است. به دلیل این باورهای مذهبی، شاهان هخامنشی به کاشتن سرو با دستان خود می‌بالیدند و در بسیاری از مکان‌های مذهبی ایرانیان، درخت سرو وجود داشته است. مزدک و پیروانش به درخت سرو به عنوان نشان آزادی باور داشتند و به همین دلیل پس از کشته شدن مزدک، پیروانش او را به حالت خمیده و سوگوار نقش کردند و احتمالاً این پایه‌گذار نقش مایه بته‌جقه شده است (عطروش، ص ۵۸-۶۰، ۱۲۷؛ جواهریان، ص ۱۶؛ تمیزی، ص ۱۴). در نقوش مهرپرستی، نقش درخت همیشه سبز و باطرواتی وجود دارد که به باور برخی سرو یا کاج است و از میان شاخه‌هایش، میترا و در طرفینش دو شبان، رویده است. در دیگر نقوش این آیین، هفت سرو به نشانه هفت سیاره که

1. C. arizonica

روح در سفر خود به آسمان از آن‌ها می‌گذرد وجود دارد. در این آیین، سرو وقف خورشید است و از آنجا که با ناهید در ارتباط است و ناهید خود رمز آزادی و آزادگی است، سرو را نیز آزاد و آزاده می‌دانستند (رضی، ج ۲، ص ۵۲۵؛ تمیزی، ص ۱۳-۱۴، ۳۲، ۴۳؛ برای نماد سرو هرمی در ایران باستان ← لایارد<sup>۱</sup>، ص ۲۱، ۱۳۸-۱۴۱، ۱۴۱، ۲۷۲-۲۸۲). به نوشته هانری ماسه<sup>۲</sup> (ج ۱، ص ۲۰۹، ۲۱۳) ایرانیان اعتقاد داشتند که درختان سرو و زیتون که همیشه سرسبزند از بهشت آمده‌اند و درخت سرو مظهر موفقیت و ترقی است.

## سروهای کهن ایران

### ۱. سرو کاشمر

کهن‌ترین توصیف مربوط به این درخت در شاهنامه<sup>۳</sup> دقیقی آمده است (← دبیرسیاکی، ص ۲۷-۳۱) و بنا به آن زرتشت پیامبر، درخت سرو شگفت‌انگیزی را که سرشتی مینوی و اندازه‌ای بسیار بزرگ داشت بر در آتشکده بُرزین مهر کاشمر خراسان نشانده و گشتاسب بر گرداگرد این سرو، سرسرای بزرگی ساخت تا زرتشت، دیو را در آنجا به بند بکشد. معروف است که بر هر یک از برگ‌های سرو کاشمر، نام گشتاسب و اندرزی برای راهنمایی او به پشتیبانی از دین نگاشته شده بود.

به کشور نگر تا چه آیین نهاد

بپیش در آذر اندر بکشت

که پذیرفت گشتاسب دین بهی...  
بکرد از بر او یکی خوب کاخ...  
ببست اندرو دیورا زردهشت  
چرا سرو کاشمرش خوانی همی...

نخست آذر مهر بُرزین نهاد

یکی سرو آزاده را زردهشت

نبشش بر آن زاد سرو سهی

چو بالا برآورد و بسیار شاخ

پرستش کده گشت ازیشان بهشت

بهشتیش خوان ار ندانی همی

ثعالبی نیشابوری در ثمارالقلوب (ص ۵۹۰-۵۹۱) نیز به تفصیل به این درخت پرداخته است. این توصیف در آثار سپسین از جمله تاریخ بیهق بیهقی و زهت القلوب حمدالله مستوفی تکرار شده است. به نوشته او گشتاسب این درخت را کاشته بود. ثعالبی این درخت را از نظر طول، عرض، استواری و زیبایی بی‌مانند دانسته است و به گواه او در زیبایی و شگفتی به آن مثال می‌زدند. به نوشته او، ویژگی‌های این درخت را در حضور متوکل عباسی برشمردند و او تصمیم گرفت که آن را ببیند و در عمارت جعفریه در سامرا به کار برد. به همین دلیل به طاهر بن عبدالله، حاکم وقت خراسان، نامه نوشت تا درخت را بریده و کل اجزای آن را در نمود دوخته، بار شتران کرده و به حضور

1. Lajard  
2. Masse

او بفرستد. اطرافیان متوکل او را از عاقبت شوم این کار بازداشتند اما متوکل از خواسته‌اش دست برنداشت. اهالی کاشمر حتی حاضر شدند مبلغ هنگفتی به حاکم وقت دهند اما این نیز مؤثر نشد. سرانجام اجزای درخت بر سیصد شتر حمل و فرستاده شد اما پیش از رسیدن کاروان به مقصد، متوکل به قتل رسید (نیز ← تقی‌زاده، ج ۱۰، ص ۷۸، پانویس ۱۵۹، ۲۶۶-۲۶۷). به نوشته بیهقی (ص ۲۸۳) دیگر کسانی که در قطع آن درخت مؤثر بودند، از خواجه ابوالطیب که کارگزار نیشابور بود تا دروگران و حاملان درخت به مرکز خلافت، همه در آن سال مُردند.

در سایه‌سار این درخت بیش از ده هزار گوسفند جای می‌گرفتند و در نبود آدمیان و چهارپایان، وحوش و سباع فراوانی در کنار و میان شاخه‌های این درخت آرام می‌گرفتند و پس از افتادنش، زمین لرزید و خلل در خانه‌ها و کاریزها افتاد و پرندگان و چهارپایان در سوگ او ناله و فغان کردند (بیهقی، ص ۲۸۲). حمدالله مستوفی (ص ۱۴۳) نیز درباره این درخت چنین نوشته است: «[در کاشمر/ کشمیر]، در قدیم درختی سرو بوده است چنانچه در عالم هیچ درختی از آن بلندتر نبود. چنین گویند جاماسب حکیم (داماد زرتشت و وزیر گشتاسب) نشانده بود». اگر نوشته بیهقی (ص ۲۸۱) درباره عمر درخت در زمان بریدن، یعنی ۱۴۰۵ سال، درست باشد و اگر زمان بریدن آن را زمان قتل متوکل، ۲۴۷ق، در نظر بگیریم (و نه ۲۳۲ مورد نظر بیهقی)، احتمالاً این درخت در ۵۸۸-۵۸۹ق م کاشته شده است (← تقی‌زاده، ج ۱۰، ص ۲۶۷؛ نیز ← حمدالله مستوفی، ص ۱۲۲ که به شهرت جهانی آن در ایران باستان اشاره کرده است؛ کویاجی، بازبردها و پی‌نوشت‌های دوستخواه، ص ۶۷-۶۸؛ باستانی پاریزی، ص ۲۵۵؛ نیلوفری، ۱۳۳۵ش، ص ۳-۹).

باور به کاشت این درخت به دست زرتشت و یا گشتاسب و تقدس آن، با برخی باورهای کهن چینیان، تبتیان، بازماندگان سکاها و باستانی و نیز جایی در مصر همانندی‌های نمایانی دارد. دوگروت از کتاب گّه هونگ نام می‌برد که در آن چنین آمده است: «در میان درختان بزرگ کوهستانی، سروهایی هستند که می‌توانند سخن بگویند. اما این خود درخت‌ها نیستند که از چنین موهبتی برخوردارند بلکه روان آن‌هاست که سخن می‌گوید». او سپس از خواص درمانی جادویی این درخت‌ها در باور چینیان مطالبی را آورده است. درختان شگفت‌انگیزی در تبت، در پرستشگاه زرین بام در کومبون، وجود دارند که به باور مردم، نام برخی از بزرگان تبت بر برگ‌های آن نگاشته شده است. در سرزمین سکاها (سیستان امروز) نیز نشانه‌هایی از باورهای دیرینه مردم به درخت سرو وجود دارد (کویاجی، ص ۵۰-۵۶). در کتاب سیستان تبت<sup>۱</sup> (ص ۱۸۸) چنین آمده است: هنوز در سیستان سه یادگار که کهن‌بودگی آن‌ها حتماً به روزگار رواج دین زرتشت می‌رسد بر جای مانده است (← ادامه مقاله).

1. Tate

شگفت‌انگیز است که شرح سرسرا یا نیایشگاه گرداگرد سرو کاشمر و خود این سرو با توصیف پرستشگاه آفتاب در هلیوپولیس مصر و درختی که در آن بوده است نیز همخوانی بسیاری دارد. ویلیام جکسون<sup>۱</sup> (۱۸۶۲-۱۹۳۷)، متخصص معروف زبان‌های هندواروپایی، در سفری که در سال ۱۹۰۳م به ایران داشته، اطلاعات تفصیلی سرو کاشمر در منابع مختلف را گرد آورده است (← ص ۲۵۵-۲۶۶).

### ۲. سرو فریومد

به نوشتهٔ بیهقی (ص ۲۸۱، ۲۸۳) این درخت را نیز زرتشت و یا به نقلش از ثعالبی، گشتاسب کاشته است و تا سال ۵۳۷ه. ق.، یعنی ۲۹۱ سال پس از بریده شدن سرو کاشمر، برجا بوده و ۱۶۹۱ سال عمر کرده است. باور بر این بود که هر پادشاهی که چشمش به این درخت بیفتد در آن سال نکبتی به او می‌رسد. سرانجام در سال ۵۳۷ق، ینالتکین، پسر قطب‌الدین محمد خوارزمشاه، به غرور شاهزادگی و طبع خشن و خودخواهش، دستور داد که آن را از بین ببرند اما برای آنکه آسیبی از بدشگونی این کار به او نرسد، دستور داد تا به جای بریدن درخت، از آنجا که زرتشت آتش‌پرست آن را کاشته بود، آن را بسوزانند (← تمیزی، ص ۳۴؛ مولوی، ص ۱۷۰، ۱۷۲؛ باستانی‌پاریزی، ص ۲۵۶؛ اکبر اسکندری و نسرین اسکندری، ص ۲۹). ظاهراً نکبتی هم به ینالتکین نرسید و تا ۱۴ سال بعد به فرمانروایی مشغول بود!

### ۳. سرو بلخ

حمدالله مستوفی (ص ۱۲۲) به شهرت جهانی این سرو در ایران باستان اشاره کرده است. اطلاع چندانی دربارهٔ این سرو در منابع نیست، جز آنکه ظاهراً شهرتی همپای سرو کاشمر داشته است.

### ۴. سرو ابرکوه/ ابرقو/ زرتشت

به باور برخی، یافث بن نوح (ع) آن را کاشته است (تمیزی، ص ۱۴). این سرو در محلهٔ پشت آسیاب ابرکوه و تقریباً در جنوب شهر قرار دارد. ارتفاع آن حدود ۲۸ متر و قطر تنه‌اش حدود ۴/۵ متر است. دانشمندان مختلف، عمر این درخت را ۴۰۰۰ سال و گاه حتی بیشتر تخمین زده‌اند. البته برخی از پژوهشگران مؤسسهٔ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع ایران، عمر این درخت را بیش از ۲۵۰۰ سال نمی‌دانند و عمر سه اصله از اُرس‌های کهن سال ایران را از عمر این درخت بیشتر می‌دانند. اگر عمر ۴۰۰۰ سالهٔ درخت ابرقورا بپذیریم، این درخت از لحاظ قدمت، سومین درخت کهن‌سال دنیا است. مطابق مصوبه‌ای در سال ۱۳۸۲ش، سرو ابرقو جزو میراث ملی و طبیعی ایران به ثبت رسید.

1. A. V. William Jackson

این درخت برای برخی از اهالی منطقه مقدس است و برای برآورده شدن آرزوهایشان به آن دخیل می‌بندند (افشار، ۱۳۴۸ ش، ج ۱، ص ۶۰۷؛ تمیزی، ص ۱۴، ۳۵-۳۶؛ نیز ← اکبر اسکندری و نسرین اسکندری، ص ۲۰؛ ادامه مقاله؛ شکل ۱).

حمدالله مستوفی (ص ۱۲۲) نیز درباره سروی در ابرقو چنین نوشته است: «[در دیه مراغه ابرقوه]، سروی است که در جهان شهرتی عظیم دارد چنانکه در عهد کیانیان سرو کشمیر و بلخ شهرتی داشته و اکنون این از آن بلندتر و بزرگتر است و درخت سرو در ایران زمین مثل آن نیست». البته به نوشته تمیزی (ص ۳۶) این درخت مورد نظر حمدالله مستوفی همان سرو معروف ابرقو نیست و از بین رفته است اما مردم همچنان جای آن را مقدس می‌شمارند.



شکل ۱: سرو ابرقو

##### ۵. سروهای سیستان

تیت (ص ۱۸۸-۱۹۰) به تفصیل درباره سروهای باستانی سیستان و اینکه روزگار آن‌ها به زمان دین زرتشت می‌رسد نوشته است. ظاهراً دو اصله از این سروها در جایی نزدیک به سه کیلومتری شمال دهکده نوبنیاد درگ در ناحیه هکت/ هوکات و ۵۰ کیلومتری جنوب شهر جوبین قرار داشته‌اند. بر پایه پاره‌ای از روایت‌های سنتی، این سروها در روزگار شهریاری انوشیروان، خسرو یکم، شهریار ساسانی، کاشته شده‌اند. می‌دانیم که سرو به کندی می‌بالد و بنابراین، سروهای یادشده، برای رسیدن به تومندی و ستبری کنونی و بنا بر روایت‌های محلی، نباید کمتر از هزار و پانصد سال داشته باشند. بنا به محاسبه تیت در آن زمان که خود آن را دقیق دانسته است، یکی از سروها حدود ۲۰ متر ارتفاع داشته و در ۱۸۰ متری این سرو بلند، کهن‌ترین این سروها با ظاهری شکسته و

ارتفاعی حدود ۸ متر در کنار بازماندهٔ یک آبراههٔ قدیمی خودنمایی می‌کرده است. آن زمان سرو کوتاه‌تری نیز در سوی باختری پریان/ پریون سیستان برجای بوده است که گمان می‌رود از سرو درگ قلمه زده شده باشد (نیز ← کویاجی، ص ۵۲-۵۴؛ افشار سیستانی، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۹۰). یکی از درختان درگ، چند سال پیش به دست یکی از اهالی، طعمهٔ آتش شد. درخت دیگر، با ارتفاع حدود ۳۵ متر و قطر حدود سه متر، و در کنار جوی آبی در این روستا هنوز پابرجاست که نیازمند توجه مسئولان است. حدود هفت سال پیش، یکی از اهالی محل، یکی از شاخه‌های بزرگ این درخت را برای استفاده در خانه‌سازی برید. بنابر اظهارات یکی از پژوهشگرانی جوینی، در حدود سه کیلومتری غرب این درختان، سرو کهن‌سال دیگری نیز وجود داشته که حدود ۶۰ سال پیش با هجوم ملخ‌ها از بین رفته است.

سر پرسی م. سایکس<sup>۱</sup> (۱۲۴۶-۱۳۲۴ ش، ص ۳۵۴) دربارهٔ سرو کهن‌سالی در روستای سنگان/ سنگین زاهدان در سال ۱۸۹۹ م چنین می‌نویسد: «در این روستا] یکی از بزرگترین سروهای دنیا وجود دارد. دور تنهٔ این درخت ... حدود ۸ متر بود ... سرکشی به این درخت ارزش این راه دور را داشت». این درخت در صحن مسجد روستای سنگان، در ۴۵ کیلومتری خاش، قرار دارد. ارتفاع آن هم‌اکنون حدود ۳۰ متر و قطر تنهٔ آن حدود ۳ متر است. عمر این درخت را ۲۰۰۰ تا بیش از ۳۰۰۰ سال تخمین زده‌اند. محلی‌ها پیشتر به این درخت نام میر عمر و سپس نام سل دادند. خوشبختانه این درخت به ثبت ملی رسیده است (شکل ۲).



شکل ۲- تصاویری از سرو کهن‌سال سنگان زاهدان

1. Sir Percy Molesworth Sykes

زربین کهن‌سالی نیز در قریه کوشه خاش و در ارتفاع ۲۰۰۰ متری وجود دارد (ثابتی، ص ۲۹۷). در روستای سولان بخش سیب و سوران نیز درخت سروی با نام سرجو وجود دارد که عمرش به چند سده می‌رسد و میراث فرهنگی استان، آن را حفاظت شده اعلام کرده است (افشار سیستانی، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۵۷). به نوشته اکبر اسکندری و نسرین اسکندری (ص ۳۰) در نزدیکی دهستان سیب، در ۱۲ کیلومتری شهرستان سیب و سوران، درخت سرو کهن‌سالی وجود داشته که چند سال پیشتر از بر خاک افتادن سرو دریمی فسا (← ادامه مقاله)، از بین رفته است. در ده پایید، در مسیر خاش به سراوان، نیز سرو کهن‌سالی وجود دارد (همان، ص ۲۸).

#### ۶. سروهای استان فارس

سفرنامه‌ها و منابع تاریخی فراوانی به سروهای کهن‌سال استان فارس، به‌ویژه شهر شیراز، اشاره کرده‌اند. دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا (۱۵۵۰-۱۶۲۴ م؛ ص ۱۲۰، ۱۴۹) به سه سرو بزرگ، قطور و زیبا در مسجد محلی به نام کفرا، در نزدیکی سیوند و سروی کهن و بزرگ در نزدیکی آرامگاه باکویه (باباکوهی) اشاره کرده است. تاورنیه (۱۶۰۵-۱۶۸۹؛ ص ۳۰۸) نیز به سرو شگفت‌انگیزی در شمال شیراز و نزدیک آرامگاه یکی از بزرگان اشاره کرده است که بیشتر کسانی که به آن منطقه می‌روند در حقیقت برای دیدن آن سرو می‌روند. احتمالاً منظور تاورنیه، همان سرو آرامگاه باباکوهی امروزی است. او (ص ۶۶۵) همچنین به سرو تومندی در همان نزدیکی اشاره می‌کند که در آن زمان بهترین سرو ایران برشمرده می‌شده است و چهار نفر به زحمت می‌توانستند آن را در میان گیرند. همچنین تاورنیه (ص ۳۰۹) به درختان سرو بلند و قطوری در آرامگاه حافظ اشاره می‌کند و ظاهراً یکی از آن‌ها که از بقیه، حتی از درختانی که بیش از صد سال عمر داشته‌اند، بزرگتر و بلندتر بوده به دست شاه عباس در سال ۱۶۰۷ م کاشته شده است. لاژار<sup>۱</sup> (۱۷۸۳-۱۸۵۸ م؛ ص ۳۰۰) از سرو کهن‌سال بقعه هفت‌تنان شیراز نوشته است. فردریچاردز (۱۸۷۸-۱۹۲۳ م؛ ص ۱۳۱) به سروهای باغ‌های شیراز که قرن‌ها عمر دارند اشاره کرده است. او همچنین در جایی دیگر (ص ۱۴۸) درباره فراوانی سروهای شیراز ذکر می‌کند: «در هیچ جای دیگر در ایران این همه درخت سرو نمی‌توان دید». در باغ آقاباباخانی شیراز، متعلق به نیمه نخست سده سیزدهم، سروهای تومند و کهن‌سالی به نام سروهای آقاباباخان، وجود دارد که احتمالاً آن‌ها را آقاباباخان بارفروش مازندرانی، فراش‌باشی حسینعلی میرزا فرمانفرما، کاشته است. خوشبختانه چون مخالفان این شخص، بریدن درختان سرو را بدشگون می‌دانستند این درختان را برخلاف دیگر درختان باغ نبریده‌اند و آن سروها هنوز برجا هستند. تعداد این درختان به ۳۰ می‌رسد (آریان‌پور، ص ۱۶۶؛ اکبر

1. Felix Lajard



اسکندری و نسرین اسکندری، ص ۲۴-۲۵). همچنین درختان سرو باغ ابوالفتح‌خانی شیراز بیش از دو سده و نیم عمر دارند (آریان‌پور، ص ۱۶۸).

در میان سروهای باغ‌های شیراز، سرو نازهای باغ ارم زیباتر و جلوه آن‌ها خیره‌کننده‌تر است. بلندترین سرو ناز این باغ که نزدیک به ۳۵ متر بلندی دارد، بلندترین سرو ناز شیراز است. این درخت، کشیده، استوار و موزون است و نویسندگان و جهانگردان فراوانی آن را توصیف کرده‌اند. سید محمدتقی مصطفوی (ص ۷۶) پس از توصیف باغ ارم شیراز، درباره سرو ناز مشهور آن چنین نوشته است: «در میان درختان سرو آن، سرو بلندقامت بسیار موزونی مخصوصاً بسیار جلب توجه می‌کند که آن را سرو ناز می‌خوانند و نظیر آن در کشور ایران سراغ نمی‌رود».

مقدسی (ص ۴۴۳) از رویش سروی عجیب در فسا یاد کرده است که شاید همان سرو دریمی فسا باشد. پیتر و دلاواله (۱۵۸۶-۱۶۵۲م؛ ج ۲، ص ۱۱۱۵، ۱۱۱۷-۱۱۱۸) از روستایی به نام سروستان در فسا یاد می‌کنند که دارای درختان سرو بسیاری است و تعداد آن‌ها در گذشته بیش از آن زمان بوده که این جهانگرد از آنجا دیدن کرده است. همچنین او در تپه‌ای در اطراف خرابه‌های پاسارگاد، به سروی بسیار بزرگ برخورد کرده که به اعتراف خود او، زیباترین و بزرگترین سروی بوده که او در همه عمرش دیده است. دلاواله این درخت را چنین توصیف می‌کند: «تنه درخت در بالا به شاخه‌های بزرگ و قطوری تقسیم می‌شود و قطر فوق‌العاده آن به حدی است که اگر پنج نفر دست به دست یکدیگر بدهند نمی‌توانند آن را بغل کنند. محیط درخت در پایین‌ترین قسمت به بیست و پنج قدم من بالغ می‌شود و ارتفاعش متناسب با ضخامتش است هرچند شبیه سروهای معمولی نیست و در بالا به یک نقطه ختم نمی‌شود. بزرگی درخت نشان‌دهنده قدمت آن و علتی است تا مورد احترام و ستایش مسلمانان باشد. شیره‌ای که از یکی از شعبات تنه، در قسمت پایین، تراوش می‌شود نوعی صمغ است ولی ایرانیان به‌ویژه مردم نادان آن را خون معجزه‌آسا تلقی می‌کنند. روزهای جمعه... مردم در سوراخ بزرگ میان تنه درخت که دو نفر آدم در آن جا می‌گیرند... شمع روشن می‌کنند... در سایه همین سرو بزرگ که با دیواره کوتاهی محصور بود اقامت کردیم».

سر ویلیام اوزلی<sup>۱</sup> (۱۷۶۷-۱۸۴۲م؛ ج ۲، ص ۹۴) به سرو بزرگی در کنار مسجدی در فسا اشاره کرده است. فرصت‌الدوله شیرازی (ص ۸۴) شرح مفصلی درباره ویژگی‌های ظاهری سرو دریمی فسا که بین روستاهای دریمی و شیخ‌آباد قرار داشته، نوشته است. بنا بر مشاهده او، قافله‌ای با حدود ۶۰ نفر جمعیت در سایه‌سار این درخت استراحت کرده بودند. برخی از افراد این قافله از ایشان خواستند تا ارتفاع سرو را محاسبه کند. چون خارج کردن ادوات مهندسی از میان بار برایش سخت

1. Sir William Ouseley

بود با نصب شاخص در برابر آفتاب، ارتفاع درخت را حدود ۲۸ ذرع تخمین زد اما پیرمرد رهگذری به ایشان خبر داد که در زمانی پیشتر، فرهاد میرزا به هنگام دیدن این درخت، شخصی را بالایش فرستاد تا با ریسمان ارتفاع درخت را بسنجد و با آن روش، ارتفاع درخت به ۳۰ ذرع رسید. به نوشته رضایی (ص ۳۵-۳۸) مردم فسا این درخت را نظر کرده می‌دانستند و به آن دخیل می‌بستند. با اهمال شهرداری فسا، این درخت پس از حدود هشت سده عمر، و پس از گذراندن چند سال مقاومت در برابر شرایط بد محیطی، سرانجام در سال ۱۳۶۷ش و یا به قولی در ۱۳۶۹ش بر زمین افتاد (نیز ← اکبر اسکندری و نسرین اسکندری، ص ۲۹). اعتمادالسلطنه (ج ۴، ص ۲۲۴۵) نیز به سروی در روستای جلیان فسا اشاره کرده است که در آن روزگار، سی ذرع ارتفاع و دو ذرع قطر داشته است. در روستای خواجه جمالی بخش آباده طشک نی‌ریز، سرو تنومند کهن‌سالی وجود دارد. در فیجان ارسنجان نیز سرو کهن‌سالی با ارتفاع بیش از ۲۰ متر وجود دارد. در باغ حاج سید محمدحسن حسینی ارسنجان نیز سروی با ارتفاع حدود ۲۰ متر وجود دارد که به سرو آسید معروف است. در روستای جمال‌آباد ارسنجان نیز سروی با ارتفاع بیش از ۸ متر وجود دارد. متأسفانه چند سال پیش، برخی از شاخه‌هایش برای تسهیل عبور شبکه برق بریده شد (اکبر اسکندری و نسرین اسکندری، ص ۲۰-۲۱، ۲۴، ۲۶-۲۷).

#### ۷. سروهای شمال ایران

در باغ شاه/ اشرف بهشهر، از درختان سرو بسیاری که در سفرنامه‌ها از آن یاد کرده‌اند، تنها حدود ۳۰ اصله بر جای مانده و عمر برخی از آن‌ها بیش از سیصد سال است. ارتفاع ۱۵ اصله از این درختان، حدود ۲۵ متر و ارتفاع ۱۵ اصله دیگر، حدود ۳۰ متر است. ظاهراً ۱۳ اصله از این درختان شماره‌گذاری و محافظت شده‌اند (← دائرةالمعارف ایرانیکا، ذیل "cypress"؛ ستوده، ج ۵، ص ۶۵۳). اعتمادالسلطنه (ج ۲، ص ۱۰۲۱) ارتفاع آن سروها را در روزگار خودش، ۲۰-۳۰ ذرع دانسته است. ستوده (همان، ص ۶۳۴) به شش اصله سرو بسیار بلند در باغ تپه بهشهر اشاره کرده است. در اراضی رستم‌کلای بهشهر نیز سرو بسیار کهن‌سالی با محیط تنه چهار متر وجود داشته است. سروی کهن‌سال نیز روبروی امامزاده زین‌العابدین (ع) رستم‌کلا وجود داشته است که پس از انقلاب، آن را بریدند (همان، ص ۶۹۱). ستوده (ج ۴، ص سی و سه) همچنین از چهار سرو کهن‌سال دیگر در نزدیکی بقاع زیارتی، شامل زیارتگاه امامزادگان حسن‌رضا (ع) در روستای رباط دهستان پنجهزاره بهشهر، سید قاسم (ع) در روستای کردخیل دهستان رودپی ساری، کریم و رحیم (ع) در مقری کلای بابلسر، و سید صالح (ع) در دهکده مله در قائمشهر یاد کرده است. همچنین به

درخت سروی عجیب و کهن سال با عمر احتمالی بیش از ۱۰۰۰ سال، در گورستان بقعه امامزاده سیدالوافی (ع) در کلارآباد تنکابن و سور (سرو جنگلی) کهن سال دیگری در محوطه امامزاده نوح (ع) در اندرور کجور در نوشهر اشاره کرده است (ج ۳، ص ۴۳). نامبرده (ج ۲، ص چهل) درخت سرو کهن سالی را در بقعه سید مرتضی (ع) در ماچیان نیز گزارش داده است. پایه‌های بسیار کهنی از جور سرو معمولی / زربین، که عمر آن‌ها بیش از چند صد سال است، در ارتفاعات رودبار دیده شده و اهالی محل به دلیل وجود مقبره‌ای در آنجا، به آن‌ها زربین بزرگوار می‌گویند (قهرمان، ص ۱۷۲-۱۷۳). کهن سال‌ترین سرو شیرازی ایران در هرزیل وجود دارد و گمان می‌رود عمر آن بین ۲۰۰۰-۲۵۰۰ سال باشد (ثابتی، ص ۱۷۳). اعتمادالسلطنه (ج ۴، ص ۱۶۰۵) ارتفاع و قطر این درخت را در روزگار خودش، به ترتیب ۲۱ و ۷ ذرع پنداشته است. هم‌اکنون این درخت حفاظت شده که به ثبت ملی نیز رسیده است، بیش از ۲۴ متر ارتفاع دارد (آریان‌پور، ص ۸۲؛ دائرةالمعارف ایرانیکا، همانجا؛ اکبر اسکندری و نسرين اسکندری، ص ۲۴). سرو زربین کهن سال دیگری نیز در حسن آباد چالوس وجود دارد (ثابتی، تصویر نخست پس از ص ۲۹۸).

#### ۸. سروهای کهن سال یزد

افشار (۱۳۴۷ش، ص ۹۲) به سروی زیبا و کهن در روستای مانج که ارزش دیدن دارد اشاره کرده است. او همچنین نوشته است که در آبادی دُرید، چهار درخت سرو وجود دارد که محیط کهن‌ترین آن به بیش از ۶۳ متر می‌رسد. سروهای کهن دیگری نیز در مُنگ‌آباد مهریز و آبادی حسینی (۵ کیلومتری تفت) وجود دارند. سرو پیش‌گفته به باور اهالی نظرکرده است. در مجموعه شهدای فهرج نیز سرو کهن سالی وجود دارد (افشار، ۱۳۴۸ش، ج ۱، ص ۱۶۵، ۲۲۷، ۴۲۹، ۵۲۴، ۵۴۲، ۶۴۰؛ نیلوفری، ۱۳۶۳ش، ص ۷۴-۷۵). خوشبختانه دو سرو از سروهای درید به جا مانده‌اند. سرو منگاباد نیز هنوز برجاست و با عمر حدود دو هزار سال و پس از سرو ابرقو، دومین جاندار قدیمی این استان است. سرو اخیر در فهرست میراث طبیعی ایران ثبت شده است.

#### ۹. سروهای خراسان

در روستای خرو علیا، در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی طبس، دو سرو کهن سال و قطور وجود دارد. ارتفاع سرو بلندتر حدود ۲۵ متر است. سرو کوچکتر در «باغ دلگشا»ی امیرحسن خان که در سال ۱۲۱۸ق آن را وقف کرده است وجود دارد (اکبر اسکندری و نسرين اسکندری، ص ۲۱). در باغ‌مزار شهر کاشمر که آرامگاه حمزه بن موسی کاظم (ع) است، نیز سروهای کهن سالی وجود دارد. در روستای نصرآباد جوزان از توابع شهرستان درمیان خراسان جنوبی نیز سرو کهن سالی به ارتفاع حدود ۱۵ متر وجود دارد (اکبر اسکندری و نسرين اسکندری، ص ۲۷، ۳۰).

### ۱۰. سروهای اصفهان

اولناریوس (ص ۱۹۲) به درختان بلند سرو در کاخ شاه اصفهان اشاره کرده است. درختان سرو کهن‌سالی با عمر بیش از ۱۲۰۰ سال و ارتفاع بیش از ۱۵ متر، در نزدیکی امامزاده سلطان میر احمد در روستای جاریان نظنز وجود دارد (دائرةالمعارف ایرانیکا، همانجا). دو سرو کهن‌سال در روستای اردیب خور و بیابانک، به محیط حدود ۴/۵ و ۲/۷ متر، در باغ شخصی دو برادر به نام‌های جلال و فرهنگ ثابت وجود دارد. به نوشته ابراهیم دستان (یغمای ثانی؛ ص ۴۱) درباره یکی از سروهای کهن‌سال این روستا، دو تنه مجزا از هم که سه چهارم قدم از هم فاصله داشته‌اند در ارتفاع پنج ذرعی به هم مایل شده، بر هم پیچیده و سپس یکی شده‌اند. او به روزگار خودش، ارتفاع آن درخت را تقریباً ۲۰ ذرع دانسته است. خود این مؤلف در سال ۱۲۶۰ق، سروهایی را در روستای دادکین خور و بیابانک کاشته است که دو اصله از آن‌ها، با محیط بیش از ۲/۵ متر، برجاستند. سرو کهن‌سال ایراج خور و بیابانک نیز خوشبختانه در سال‌های اخیر، مورد توجه مردم و مسئولان قرار گرفته است (← همو، ص ۴۵؛ اکبر اسکندری و نسرین اسکندری، ص ۲۵، ۲۷). سروهای باغ فین کاشان نیز بسیار مورد توجهند. عمر برخی پایه‌ها، از جمله یکی از زوج مشهور به لیلی و مجنون، به بیش از ۳۸۰ سال می‌رسد. افرادی مانند کنت دو سرسی (سفیر فرانسه که در سال‌های ۱۸۳۹-۱۸۴۰ در ایران بوده است)، اوژن فلاندن (هنرمند، خاورشناس و سیاستمدار فرانسوی که در ۱۸۴۰ در ایران بوده است)، بارون دو بئد (نایب اول سفارت روس در ایران که در سال ۱۸۴۰م در ایران سفر کرده است)، ادوارد پولاک (پزشک اتریشی و معلم پزشکی در دارالفنون از ۱۳۳۰ ه. ق. به بعد) و سرپرسی سایکس (جهانگرد انگلیسی که در سال ۱۸۹۵م در ایران بوده است) در آثار خود به درختان سرو این باغ توجه داشته‌اند (جیحانی و عمرانی، ص ۲۶۶-۲۷۵؛ فرخ‌پار، ص ۶۵-۷۶).

### ۱۱. سروهای کرمان

در نزدیکی باغ «حاج عزیز» و در روستای «گُستو» در پاریز، دو سرو کهن‌سال وجود دارد. زمانی که نادرشاه افشار در سال ۱۱۵۹ق از آباده به سوی کرمان می‌رفت، در زیر سایه یکی از آن‌ها چادر زد و کشاورزی از پاریز با وی گفتگو کرد و به دادخواهی از او پرداخت (← وزیری کرمانی، ص ۵۲۰، پانویس ۱؛ باستانی پاریزی، ص ۲۵۷). در نوش‌آباد بخش راین کرمان، درخت سرو کهن‌سالی با ارتفاع بیش از ۲۰ متر وجود دارد. سرو کهن‌سال سیرج کرمان نیز از مهم‌ترین سروهای کهن‌سال کرمان و به ثبت ملی رسیده است. در روستای طرز شهرستان راور کرمان سرو کهن‌سالی با ارتفاع بیش از ۲۰ متر وجود دارد. در حوالی این سرو کهن‌سال، باغی از دوران قاجاریه هست که هفت سرو در آن هست. در ده مزار بافت و در چند متری چنارهای کهن‌سال این زیارتگاه،

سروی کهن سال وجود دارد (اکبر اسکندری و نسرين اسکندری، ص ۲۳-۲۵). در کنار زیارتگاه امامزاده احمد سیرجان، درخت سرو تناوری وجود دارد که برایش عمری حدوداً هزار ساله تعیین کرده‌اند (شکل ۳؛ پایگاه خبری-تحلیل نسیم صبا، ۶ تیر ۱۳۹۲ش<sup>۱</sup>). در نزدیکی امامزاده نور روستای امامه پایین در تهران نیز سرو کهن سالی وجود دارد (همان‌ها، ص ۳۰).



شکل ۳- سرو امامزاده احمد سیرجان

### اُرس / سروهای کوهی کهن سال

پولاک (ص ۳۷۱) به پایه منحصر به فردی از انواع سرو کوهی که از سرو کوهی‌های فراوان شمیران به جا مانده، اشاره کرده است. خوچکو (ص ۵۹) نیز به پایه‌هایی از سرو کوهی در حد فاصل زرین کوه و درفک اشاره کرده که قطر تنه آن‌ها به ۱/۵ - ۲ متر می‌رسد. در ارتفاعات مشرف به دامنه بسال دره شهرستانک اُرس ماده کهن سالی با ارتفاع بیش از ۱۲ متر و قطر بیش از ۲ متر وجود دارد (← خوشنویس و همکاران، ۱۳۸۴ش، ص ۶۰-۶۱) و عمر آن را بین ۲۷۰۰-۲۸۵۰ سال تخمین زده‌اند. با این حساب و اگر عمر سرو ابرقورا، مطابق نظر برخی از پژوهشگران مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، حدود ۲۵۰۰ سال در نظر بگیریم، اُرس شهرستانک، کهن سال‌ترین درخت ایران است (← شکل ۴).

1. <http://www.nasimsaba.ir/news/8087.ashx>



شکل ۴- تصاویری از اُرس شهرستانک

اُرس کهن‌سالی نیز به ارتفاع حدود ده متر و قطر حدود ۱/۵ متر در ارتفاعات مشرف به روستای کرچان در مسیر جاده کرچ به چالوس وجود دارد. اُرس کهن‌سال دیگری هم در روستای خور، مسیر کرچ به چالوس، و به ارتفاع حدود ۹ متر و قطر بیش از یک متر وجود دارد (خوشنویس، ص ۵۹-۶۰، ۶۲). دو اُرس کهن‌سال به نام آقادر یا درختان خواهر و برادر در ارتفاعات روستای همه‌جا در مسیر کرچ به چالوس وجود داشته‌اند که متأسفانه درخت برادر به دلیل کندوکاوهای سودجویان و از بین رفتن ریشه خشک شده است اما درخت خواهر که ماده است، با ارتفاع ۴/۵ متر، قطر بیش از ۷۰ سانتی‌متر، شادابی نسبتاً ضعیف و تولید مختصر میوه، همچنان پابرجاست (خوشنویس و همکاران، ۱۳۸۴ش، ص ۶۴-۶۵). اهالی برای این درخت احترام قائلند و بر آن دخیل می‌بندند.

در سمت شمال شرقی جاده چهار طاق اردل استان چهارمحال و بختیاری نیز رویشگاهی از اُرس‌های کهن‌سال وجود دارد که قطر برخی از پایه‌ها به ۱/۵ متر می‌رسد (خوشنویس و همکاران، ۱۳۸۵ش، ص ۵۶-۵۷).

در شمال روستای کشتان اسفراین سرو یا اُرس کهن‌سالی وجود دارد (زنده‌دل و همکاران، ص ۱۷۷). رویشگاه معروف اُرس در ارتفاعات هزار مسجد در خراسان رضوی نیز درختان کهن‌سال فراوانی را در خود دارد (خراسان رضوی، ص ۴، ۲ آبان ۱۳۹۱ش). در نزدیکی باجگیران در خراسان رضوی اُرس کهن‌سالی وجود دارد که تابلویی در آن نزدیکی، عمر آن را ۷۰۰ سال نوشته است. اُرس کهن‌سال دیباج در سمنان، نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. متأسفانه درون تنه این درخت نیز آتش افروخته و بخشی از آن را از بین برده‌اند. خوشبختانه این درخت به ثبت ملی رسیده است. برای دیگر اُرس کهن‌سال این استان در روستای ابرسیج عمری حدوداً سه هزار ساله در نظر گرفته‌اند. در کنار این درخت، اُرس کهن‌سال دیگری نیز وجود دارد. در کوه خُم ارسنجان فارس اُرس کهن‌سالی در میان صخره‌ها روییده است.

با آن که عموماً سرو ابرقو را کهن‌ترین درخت زنده ایران می‌دانند اما کارشناسان، سه اُرس کهن سال شهرستانک، سرانی شیروان و ابرسیج شاهرود در استان سمنان را با عمری حدوداً سه هزارساله، کهن‌ترین درختان ایران برمی‌شمارند (کیهان، همانجا).

### درختان نوش کهن سال ایران

در دره کتول، در ناحیه‌ای به نام سورکش، بیشه‌ای طبیعی از درختان قطور نوش وجود دارد و چنانکه این درخت را بومی ایران ندانیم، با توجه به عمر این درختان، پیشینه ورودش به ایران بیش از ۱۵۰۰ سال است. یکی از قدیمی‌ترین پایه‌های شناخته‌شده این درخت، با سنی حدود ۱۳۰۰ سال، در حیدرآباد کرج، نزدیک مؤسسه دامپروزی، وجود دارد. درختان کهن‌سالی از نوش نیز در سبزوار وجود دارد (ثابتی، ص ۵۲۳؛ قهرمان، ص ۱۷۴-۱۷۵). نوش کهن‌سالی نیز در حاشیه جاده روستای کاهو (چهل کیلومتری مشهد) به هاشم‌آباد، با حدود ۱۵۰۰ سال عمر و حدود دو متر محیط در نزدیکی زمین، وجود دارد (دائرةالمعارف ایرانیکا، همانجا).

### منابع (علاوه بر منابع درون متنی)

علیرضا آریان‌پور، پژوهشی در شناخت باغهای ایران و باغهای تاریخی شیراز، تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۵ش؛

اکبر اسکندری و نسرین اسکندری، درختان کهن سال ایران، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۱ش؛  
اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷-۱۳۶۸ش؛

ایرج افشار، «گشتی در خاک یزد»، یغما، سال ۲۱، ش ۲، شماره مسلسل ۲۳۵، اردیبهشت ۱۳۴۷ش؛

همو، یادگارهای یزد، ج ۱: معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی خاک یزد، تهران: چاپخانه بهمن، ۱۳۴۸ش؛

ایرج افشار سیستانی، سیستان و بلوچستان‌نامه، تهران: کتابدار، ۱۳۹۰ش؛

اولناریوس، سفرنامه آدام الناریوس: بخش ایران، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳ش؛

محمدابراهیم باستانی پاریزی، حماسه کویر، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ش؛

ابوالحسن علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهق، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار و مقدمه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی، چاپ سوم، تهران: چاپ افست مروی، ۱۳۶۱ش؛

یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱ش؛

حسن تقی‌زاده، مقالات تقی‌زاده، ج ۱۰: گاه‌شماری در ایران قدیم، تجدید چاپ از روی چاپ ۱۳۱۶ش، به انضمام اصلاحات به خط مؤلف، زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات شکوفان، ۱۳۵۷ش؛

مهدی تمیزی، در سایه سرو (سرونگاره‌های سنگ آرامگاه‌های مردم اصفهان)، تهران: رسم، ۱۳۹۲ش؛

حبیب‌الله ثابتی، جنگلها، درختان و درختچه‌های ایران، تهران: سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۳۵۵ش؛

ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری، ثمار القلوب، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف، ۱۳۸۴/۱۹۸۵؛

فریاد جواهریان، «کهن‌الگوی شده: بازدید از باغ ایرانی»، باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید، تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران و مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۳ش؛

حمیدرضا جیحانی و سید محمدعلی عمرانی، باغ فین، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۶ش؛

حمدالله مستوفی، نزهت القلوب: المقولة الثالثة: در صفت بلدان و ولایات و بقاع، چاپ گای لیسترانج، چاپ افست تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲ش؛

خراسان رضوی، «جنگل‌های آرس هزار مسجد باید به عنوان منطقه بین‌المللی به دنیا معرفی شود»، ۲ آبان ۱۳۹۱ش، ص ۴؛

آکساندر خودزکو [خوچکو]، سرزمین گیلان، ترجمه سیروس سهامی، تهران: پیام، ۱۳۵۴ش؛  
مصطفی خوشنویس، سودابه علی احمد کروری، محمد متینی‌زاده، میرم تیموری، انوشیروان شیروانی و بابک جلیل‌پور، «درختان کهن سال استان تهران، قسمت نخست - درختان کهن سال کرج»، جنگل و مرتع، ش ۶۷، ۱۳۸۴ش، ص ۵۸-۶۵؛

مصطفی خوشنویس، سودابه علی احمد کروری، محمد متینی‌زاده، میرم تیموری و انوشیروان شیروانی، «درختان کهن سال استان چهارمحال و بختیاری، قسمت سوم: درختان کهن سال بازفت و اردل»، جنگل و مرتع، ش ۷۰، ۱۳۸۵ش، ص ۴۷-۵۲؛

محمد دبیرسیاقی، دقیقی و اشعار او، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۲ش؛



- ابراهیم دستان (یغمای ثانی)، جغرافیای جندق و بیابانک، در آینه میراث، ضمیمه ۶، با مقدمه و تصحیح سید علی آل داود، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵ش؛
- پیترو دلواله، سفرنامه، ترجمه محمود بهروزی، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰ش؛
- غلامرضا رضایی، شهر من فسا از نگاهی دیگر، حاوی اطلاعات ارزنده‌ای پیرامون شهر باستانی فسا... شیراز: نوید شیراز ۱۳۸۷ش؛
- هاشم رضی، آیین مهر: پژوهش‌هایی در تاریخ آیین رازآمیز میتراپی در شرق و غرب، تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۸۱ش؛
- فرد ریچاردز، سفرنامه، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳ش؛
- حسن زنده‌دل و همکاران، مجموعه جامع ایرانگردی، ش ۹: استان خراسان، تهران: نشر ایرانگردان، ۱۳۷۷ش؛
- منوچهر ستوده، از آستارا تا استارباد، تهران، ۱۳۴۹-۱۳۸۰ش؛
- محمد طباطبایی، «سرو سیمین (سرو نقره‌ای)»، مجله جنگل و مرتع، ش ۲، ۱۳۶۵ش؛
- طاهره عطروش، بته‌جقه چیست؟، تهران: سی بال هنر، ۱۳۸۵ش؛
- حسین فرخ‌یار، بهشتی در حاشیه کویر، کاشان: هیئت امنای شاهزاده هادی (ع) فین، ۱۳۷۵ش؛
- سیدمحمدنصیر حسینی فرصت‌الدوله، آثار العجم: در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن فارس، شامل: ... به کوشش علی دهباشی، تهران: چاپخانه هنر، فرهنگسرا، ۱۳۶۲ش؛
- فیگوئروا، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳ش؛
- احمد قهرمان، کورموفیت‌های ایران (سیستماتیک گیاهی)، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ش؛
- جین سی. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد، ۱۳۷۹ش؛
- جهانگیر کوورجی کویاجی، بنیادهای اسطوره و حماسه ایران: شانزده گفتار در اسطوره‌شناسی و حماسه‌پژوهی سنجشی، ترجمه و ویرایش جلیل دوستخواه، به پیوست دو نقد روش‌شناختی از مهرداد بهار، تهران: آگاه ۱۳۸۰ش؛
- کیهان، «مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع اعلام کرد: ثبت ملی ۹۰ درخت کهنسال کشور»، ۲ مرداد ۱۳۹۲ش، ص ۴؛
- پیمان متین، مردم‌گیاه: گیاهان آیینی در فرهنگ و فولکلور ایران، تهران: فرهامه، ۱۳۹۲ش؛

- سید محمدتقی مصطفوی، اقلیم پارس، تهران: تابان، ۱۳۴۳ش؛
- ولی الله مظفریان، درختان و درختچه‌های ایران، تهران ۱۳۸۳ش؛
- محمد بن احمد مقدسی، کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، چاپ دخویه، لیدن ۱۸۷۷، چاپ افست ۱۹۶۷؛
- عبدالحمید مولوی، «سرو فریومد»، یغما، سال ۲۷، ش ۳، ش مسلسل ۳۰۹، خرداد ۱۳۵۵ش؛
- پرویز نیلوفری، «سرو کاشمر»، نشریه بنگاه جنگلها، سال هفتم، ش ۸۹، آبان و آذر ۱۳۳۵ش؛
- همو، باغهای ایرانی، پردیس‌ها و باغهای بزرگ و زیبای ایران زمین، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۳ش؛
- احمدعلی خان وزیر کرمانی، تاریخ کرمان (سالاریه)، با تصحیح و تحشیه و مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۵۲ش؛
- Encyclopaedia Iranica*, s.v. "CYPRESS", by Hūšang 'Alam, vol. VI, California: Mazda Publishers, 1993;
- A. V. William Jackson, *Zoroastrian studies: the Iranian religion and various monographs*, New York: Columbia University Press, 1965;
- Felix Lajard, *Recherches sue le culte de cyprès pyramidal chez les peuples civilisés de l'antiquité*, Paris: Imprimerie Impériale, 1854;
- Efraim Lev & Zohar Amar, *Practical materia medica of the medieval eastern Mediterranean according to the Cairo Genizeh*, Leiden: Brill 2008;
- Henri Massé, *Croyances et Coutumes Persanes*, Paris: Librairie orientale et américaine 1938;
- Sir William Ouseley, *Travels in various countries of the east: more particularly Persia*, vol. 2, London 1821;
- Percy Molesworth Sykes, *Ten thousands miles in Persia or eight years in Iran*, New York: Charles Scribner's Sons, 1902;
- G. P. Tate, *Seistan: a memoir on the history, topography, ruins, and people of the country*, Quetta: Gosha-e-Adāb 1977;
- Jean- Baptiste Tavernier, *Voyages en Perse et description de ce Royaume*, Paris: Voyages et D'ecouvertes aux editions 1930;